

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۰۹/۲۶
تاریخ بررسی مقاله: ۹۱/۱۰/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۱۴

مجله دست آوردهای روان‌شناختی
(علوم تربیتی و روان‌شناسی)
دانشگاه شهید چمران اهواز، پاییز و زمستان ۱۳۹۱
دوره چهارم، سال ۱۹-۳، شماره ۲
صص: ۱۷۶-۱۵۹

اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی با میانجی‌گری ادراک انصاف (عدالت)

لیلا جعفری نژاد*

رضا خجسته مهر**

غلامرضا رجیبی***

چکیده

مطالعات نشان می‌دهد که ایدئولوژی برابری جنسیتی می‌تواند تأثیر مهمی بر کیفیت زناشویی افراد داشته باشد. این تأثیر می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم و در تعامل با سایر متغیرها از جمله ادراک انصاف باشد. این مطالعه با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ایدئولوژی برابری جنسیتی از طریق ادراک انصاف بر هماهنگی و ناهماهنگی رابطه‌ی زناشویی زوجین انجام شد. نمونه مورد مطالعه شامل ۱۵۰ زوج بودند که از بین والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر اهواز، با روش تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به مقیاس‌های ایدئولوژی برابری جنسیتی (GIS)، پرسشنامه هماهنگی زناشویی (MHQ)، پرسشنامه ناهماهنگی زناشویی (MDQ) و سنجش ادراک انصاف (MEP) پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها از طریق الگویابی معادلات ساختاری (SEM) و اثرات غیرمستقیم از طریق آزمون بوت استراب انجام شد. مدل ارزیابی شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. نتایج الگوی معادلات ساختاری نشان داد که ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی زناشویی و ناهماهنگی زناشویی مردان و زنان به طور مستقیم و غیرمستقیم اثر می‌گذارد.

کلید واژگان: ایدئولوژی برابری جنسیتی، هماهنگی زناشویی، ناهماهنگی زناشویی، ادراک انصاف

* کارشناس ارشد مشاوره خانواده

** دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

khojasteh_r@scu.ac.ir

*** دانشیار گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

در دهه‌های اخیر نشانه‌های تغییر در ایدئولوژی جنسیتی در خانواده‌ها آشکار گردیده است (دیویس^۱، ۱۹۸۴، به نقل از کافمن^۲، ۲۰۰۰). مردان و زنان به طور روز افزون به این تفکر که شرکت مردان و زنان در کارهای خانه و پرداختی باید برابر باشد متمایل شده‌اند (تورنتون^۳، ۱۹۸۹، به نقل از کافمن، ۲۰۰۰). به همین ترتیب تغییر در باورها و عقاید در مورد رفتارهای مناسب برای زنان و مردان برای کار در خانه بر پویایی رابطه بین زوجین و خانواده تأثیر گذاشته است. این نگرش مهم است زیرا بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد (پری-جنکیز و کروتر^۴، ۱۹۹۰). از طرفی هماهنگی زناشویی^۵ و ناهماهنگی زناشویی^۶ یکی از عمده‌ترین و در عین حال چالش‌انگیزترین موضوع در حیطه‌ی علم مشاوره خانواده به حساب می‌آید. به گونه‌ای که پژوهش‌های زیادی صرف تدوین مدل‌های کارآمد، به منظور تبیین و پیش‌بینی آن شده است. هماهنگی زناشویی مفهومی پویاست. ماهیت و کیفیت رابطه زناشویی در طول زمان تغییر می‌کند (لارسون و هولمن^۷، ۱۹۹۴، به نقل از، فرامرزی، ۱۳۸۸). هماهنگی زناشویی مترادف با کیفیت زناشویی و یا سازگاری زناشویی است و در برگیرنده جنبه‌های مثبت یا ارزیابی مثبت فرد از روابط زناشویی‌اش است. ناهماهنگی زناشویی نیز مترادف با تعارض زناشویی است که شامل جنبه‌های منفی یا ارزیابی منفی فرد از روابط زناشویی‌اش است (زو و لای، ۲۰۰۴).

یکی از عوامل ارتباطی که پژوهش‌ها تأثیر آن بر هماهنگی رابطه زناشویی را نشان داده‌اند، "ادراک انصاف"^۸ در رابطه زناشویی است. انصاف درک ضمنی تعادل است، در رابطه‌ی غیرمنصفانه یک شریک بیش از حد بهره‌مند و دیگری کمتر از آن چه باید باشد. این موضوع، افسردگی، رنجش، احساس فریب خوردن و یا محروم شدن را در پی دارد (سولیوان^۹، ۲۰۰۸).

- 1- Davis
- 2- Kaufman
- 3- Thornton
- 4- Perry-Jenkins & Crouter
- 5- marital harmony
- 6- marital discord
- 7- Larson & Holman
- 8- perceived fairness
- 9- Sullivan

در نظریه‌ی انصاف گفته می‌شود زمان‌هایی که بی‌انصافی وجود دارد، قسمت‌هایی از رابطه دچار اضطراب و پریشانی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها از این نظریه حمایت می‌کند (پری^۱، ۲۰۰۴؛ دی مریس^۲، ۲۰۰۷).

ادراک انصاف از متغیرهای مهم در نظریه‌ی انصاف است. نظریه‌ی انصاف^۳ ریشه در اقتصاد دارد. تحقیقات اولیه در مورد نظریه به افزایش بهره‌وری کارکنان به وسیله اختصاص منصفانه پاداش‌ها مرتبط بود (برنشتاین^۴، ۱۹۶۹؛ هومنز^۵، ۱۹۶۱؛ لالر^۶، ۱۹۶۸؛ به نقل از پری، ۲۰۰۴). بعدها نظریه‌ی انصاف در جامعه‌شناسی به کار برده شد و سرانجام در روان‌شناسی مورد استفاده قرار گرفت (والستر، برشید و والستر^۷، ۱۹۷۵). این نظریه سعی دارد رضایت افراد از یک رابطه را بر حسب ارزیابی ادراک آنها از توزیع منصفانه یا غیرمنصفانه منابع در طول روابط میان فردی بررسی کند. بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه بدانیم که زمانی به دست می‌آید که برای شرکت‌کنندگان در یک تعامل یا سازمان مشترک نتایجی مناسب با درون داده‌ایشان اختصاص یابد (فرامرزی، ۱۳۸۸). به بیان ساده انصاف آن زمانی در تعاملات بین شخصی شایع است که برون دادهایی (نتایج و پیامدها) که یک شخص از تعامل بین فردی به دست می‌آورد برابر باشد با درون دادهایی که او در آن تعامل سرمایه‌گذاری کرده است (اسپرچر^۸، ۱۹۸۶).

در نظریه انصاف سه متغیر اصلی وجود دارد که در ادراک فرد از این که آیا در ارتباط سود برده یا ضرر کرده‌اند نقش دارد. این سه متغیر عبارتند از: سطوح انصاف، مساوات و پاداش (والستر، برشید، ۱۹۷۶، به نقل از فرامرزی، ۱۳۸۸). انصاف: به صورت نسبت آنچه فرد در ارتباط سرمایه‌گذاری می‌کند و آنچه از ارتباط دریافت می‌کند تعریف شده است. مساوات: یعنی درجه شباهت نسبت انصاف برای شرکاء. پاداش: یعنی اندازه مطلق منفعتی که فرد از رابطه به دست می‌آورد. نظریه‌ی عدالت از زمان‌ها قبل، برای پیش‌بینی واکنش‌های افراد به

-
- 1- Perry
 - 2- De Maris
 - 3- equity theory
 - 4- Burnstein
 - 5- Homans
 - 6- Laler
 - 7- Walster, Berscheid, & Walster
 - 8- Sprecher

عدالت و بی‌عدالتی مورد استفاده بوده است. از زمانی که ویلیامز^۱ برای اولین بار آزمایشگاه روان‌شناسی را در دانشگاه هاروارد افتتاح کرد، دانشمندان علوم اجتماعی به تدوین و فرمول‌بندی جهانی شناخت قوانین اجتماعی، احساسات و رفتار پرداختند. با این حال منتقدان فرهنگی اشاره می‌کنند که روان‌شناسی اجتماعی همین اواخر ساخته شده است (مارکوس^۲، ۲۰۰۴، به نقل از عامر-ریان، هاتفیلد و فری^۳، ۲۰۰۷). نظریه‌ها توسط روان‌شناسان غربی و شرکت‌کنندگان در آزمایشگاه بررسی می‌شدند و سپس در نشریات غربی منتشر می‌شدند. این دانشمندان معتقد بودند آن چه می‌گویند ثابت و مداوم هستند. به تازگی محققان فرهنگی و میان فرهنگی به انتقاد از این نظریه پرداخته‌اند و استدلال می‌کنند که تفاوت‌های فرهنگی ممکن است تأثیر عمیقی بر مردم جهان و چگونگی واکنش آنها به این حوادث بگذارد (عامر-ریان و همکاران، ۲۰۰۷). حال این سوال برای محققان خانواده مطرح است که آیا مردم در سراسر جهان به یک اندازه در مورد انصاف در رابطه عاشقانه خود نگران هستند و یا این که آیا تئوری انصاف قابل انطباق با همه مردم در همه فرهنگ‌ها هست؟

در یک سری از مطالعات برای پاسخگویی به این سؤال، در یک تحقیق کیفی با چند گروه قومی مختلف از جمله اروپایی - آمریکایی، آسیایی - آفریقایی و سرخپوستان مصاحبه شد. آنها به این نتیجه رسیدند که تئوری انصاف به طرز شگفت‌آوری واکنش مردان و زنان در برابر انصاف و بی‌انصافی را پیش‌بینی می‌کند. هر دو نمونه غربی و غیرغربی انصاف را مهم و بسیار مهم در رابطه عاشقانه می‌دانستند. مردان و زنان در برابر رفتار غیرمنصفانه واکنش نشان می‌دهند. همه راضی‌تر هستند زمانی که دقیقاً همان چیزی را دریافت می‌کنند که سزاوارش هستند نه بیشتر (شاید) و نه کمتر (مطمئناً).

آماتو، جانسون، بوت و راجر^۴ (۲۰۰۳) در پژوهشی تغییر در هماهنگی زناشویی را در بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که ابعاد هماهنگی زناشویی دست‌خوش تغییر شده است و البته کاهش ایدئولوژی سنتی هماهنگی زناشویی را برای زنان افزایش داده است.

- 1- James
- 2- Markus
- 3- Aumer, Ryan, Hatfield, & Frey
- 4- Amato, Johnson, Booth, & Rogers

افلک، مورگان و هایس^۱ (۱۹۸۹) در بررسی خود روی دانشجویان مرد و زن به این نتیجه رسیدند که دانشجویان مرد برابر طلب احتمالاً بیشتر بر موضوعات خانواده متمرکزند نسبت به هم‌تایان سستی‌شان. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ایده برابری جنسیتی، حداقل برای مردان، لزوماً مخل زندگی نیست، بلکه ممکن است سودمند هم باشد. در حقیقت اغلب مطالعات از سطح بالاتر هماهنگی زناشویی شوهران با ایده مساوات طلبی نسبت به شوهران با ایده سستی گزارش می‌دهند (بهر و دی^۲، ۱۹۸۷). همچنین این که نگرش برابری برای مردان ممکن است به شانس کمتر طلاق منجر شود (کافمن، ۲۰۰۰).

زو و لای^۳ (۲۰۰۲) بر اساس یک تحقیق زمینه‌یابی رابطه بین منابع، ایدئولوژی جنسیتی و قدرت زناشویی را بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد که این متغیرها با قدرت رابطه دارند و زوج‌های با ایده برابری جنسیتی رابطه متعادل‌تر و هماهنگی زناشویی بیشتری نسبت به هم‌تایان سستی‌شان دارند.

در مطالعه‌ای دیگر کافمن و تانی‌گاچی^۴ (۲۰۰۶) به بررسی اثر ایدئولوژی جنسیتی بر خشنودی و هماهنگی زناشویی پرداخت. نتایج پژوهش او بر روی افراد در دامنه‌ی سنی ۵۲-۹۲ سال نشان داد که افراد دارای ایدئولوژی برابری جنسیتی، نسبت به افراد با ایده سستی، به طور معنی‌داری سطح بالاتری از خشنودی و هماهنگی زناشویی را گزارش می‌دادند. گرچه این تأثیر فقط برای مردان معنی‌دار بود.

فینلی، استارنس و آلوارز^۵ (۱۹۸۵) در پژوهش خود بیان کردند که ایده برابری جنسیتی استرس و ناهماهنگی رابطه را برای زنان افزایش می‌دهد. اما (گرین‌استین^۶، ۱۹۹۵) بین ایدئولوژی برابری جنسیتی و ناهماهنگی زناشویی رابطه‌ای نیافت.

لیتو، گاس و هایدن^۷ (۱۹۸۹) یافتند که زنان با ایده سستی از سطح بالاتر هماهنگی زناشویی گزارش می‌دهند نسبت به زنان با ایده برابری جنسیتی. این نتیجه برای مردان بر عکس بود. آنها در نتایج خود به این نکته اشاره کردند که ایده سستی اهمیت بیشتری برای

1- Affleck, Morgan, & Hays

2- Bahr & Day

3- Xu & Lai

4- Taniguchi

5- Finley, Starnes, & Alvarez

6- Greenstein

7- Leptow, Guss, & Hyden

شادکامی زنان نسبت به مردان دارد. این یافته مشابه با پژوهش دیویس^۱ (۲۰۰۹) است. ویلیگن و درنتی^۲ (۲۰۰۱) تأثیر برابری در روابط صمیمانه را در دو گروه زوجین سیاه و سفید پوست بررسی کردند، یافته‌های آنها نشان داد که ادراک انصاف در روابط زناشویی علاوه بر افزایش ثبات زناشویی باعث ادراک حمایت اجتماعی و کاهش افسردگی می‌شود. آنها بیان کردند شاید یکی از دلایلی که باعث می‌شود رابطه منصفانه در زندگی مهم باشد همان ادراک حمایت اجتماعی توسط همسران باشد که تأثیر آن در دوام رابطه قابل ذکر است. فریسکو و ویلیامز^۳ (۲۰۰۳)، گروت و کلارک^۴ (۲۰۰۱) نشان دادند که ادراک انصاف زنان و شوهران باعث افزایش ثبات و هماهنگی رابطه زناشویی برای هر دو زنان و مردان می‌شود. این اثر برای زنان قوی‌تر است. هر چند که ادراک انصاف در کاهش ناهماهنگی و افزایش هماهنگی زناشویی بدون تردید تأثیرگذار است، اما عوامل دیگری مانند فرهنگ، مذهب، چرخه‌ی زندگی، ایدئولوژی جنسیتی و خلق و خو در شدت این تأثیرگذاری دخیل هستند. با توجه به مطالب ضد و نقیض ارائه شده در مورد اثر ایدئولوژی برابری جنسیتی بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی (آدز^۵، ۲۰۰۸؛ کلفی و میکلسون^۶، ۲۰۰۹؛ نخعی^۷، ۲۰۰۹؛ لیات^۸، ۲۰۰۰؛ تامسون^۹، ۱۹۹۳) و اثر ادراک انصاف بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی (فینستین، فینستین و صابرو^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ فرامرزی، ۱۳۸۸؛ برون و کاوامورا^{۱۱}، ۲۰۱۰) و همچنین با توجه به این که شاهد حرکت جامعه از نرم سنتی به عدالت جنسیتی هستیم، این پژوهش بر آن است که روابط بین این متغیرها را در یک مدل پیشنهادی، در نمونه‌ی زوجین برای اولین بار اجرا کند. مدل مورد استفاده در پژوهش حاضر از تغییر و تعدیل مدل مورد استفاده زو و لای (۲۰۰۴) اقتباس شده است. این پژوهش علاوه بر این که اجرای پیشنهاد زو و لای

- 1- Davis
- 2- Willigen & Drentea
- 3- Frisco & Williams
- 4- Grote & Clark
- 5- Ades
- 6- Claffey & Mickelson
- 7- Nakhaie
- 8- Liat
- 9- Tampson
- 10- Feinstein, Feinstein, & Sabrow
- 11- Brown & Kawamura

(۲۰۰۴) در مورد کاربرد این مدل بر روی زوجین و با میانجی‌گری ادراک انصاف است، همچنین در صدد بررسی دو مسئله است. اول این که آیا این مدل در جامعه ایران براننده داده‌ها می‌باشد؟ دوم این که آیا ادراک انصاف میانجی رابطه بین ایدئولوژی برابری جنسیتی و هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی است؟

روش پژوهش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

طرح پژوهش حاضر، همبستگی از نوع الگویابی معادلات ساختاری (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر اهواز می‌باشد که در فاصله‌ی زمانی اجرای این پژوهش در این شهر زندگی می‌کردند و حداقل تحصیلات آنها دیپلم، همچنین به دلیل این که این زوج‌ها از بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انتخاب شدند حداقل مدت ازدواج آنها ۷ سال می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای، ابتدا از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش دو ناحیه و از این دو ناحیه ده مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند و سپس از بین دانش‌آموزان این مدارس ۱۵۰ دانش‌آموز انتخاب و والدینشان (۱۵۰ مرد، ۱۵۰ زن) با حضور در مدرسه به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

ابزارهای سنجش

پرسشنامه هماهنگی زناشویی^۱: این مقیاس توسط زو و لای (۲۰۰۴) تهیه شده و به وسیله‌ی دو شاخص با هم بودن زوج و رضایت زناشویی نشان داده می‌شود. شاخص با هم بودن زوج، پنج سؤال است و به صورت طیف لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. ۲ سؤال اول در، دامنه‌ای از ۱ (به شدت مخالفم) تا ۵ (به شدت موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. ۳ پرسش بعدی در، دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۷ (هر روز) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی بالا در این شاخص نشان دهنده‌ی سطح بالاتر با هم بودن زناشویی است. شاخص رضایت زناشویی دارای دو

1- marital harmony questionnaire

سؤال است. سؤال اول از ۱ (به شدت مخالفم) تا ۵ (به شدت موافقم) و سؤال دوم از ۱ (خیلی ناراضی) تا ۶ (خیلی راضی) نمره‌گذاری می‌شود. نمره‌ی بالا در این شاخص نیز نشان دهنده رضایت زناشویی بالاتر است. سازندگان پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۰ و روایی آن را ۰/۶۸ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ گزارش کرده‌اند. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش باز آزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته در نمونه‌ی مردان ۰/۷۴ و در نمونه‌ی زنان ۰/۸۳، در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ به دست آمد. برای سنجش روایی سازه این مقیاس از پرسشنامه‌ی شش سؤالی کیفیت زناشویی (QMI) استفاده شده است که ضریب اعتبار سازه آن با مقیاس هماهنگی زناشویی برای نمونه‌ی زنان و مردان به ترتیب ۰/۶۰ و ۰/۷۰ می‌باشد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار است.

پرسشنامه ناهماهنگی زناشویی^۱: این مقیاس توسط زو و لای (۲۰۰۴) طراحی و ناهماهنگی زناشویی را به وسیله‌ی سه شاخص بی‌ثباتی زناشویی^۲، شاخص عدم توافق زناشویی^۳ و شاخص تعارض زناشویی^۴ می‌سنجد. شاخص بی‌ثباتی زناشویی شاخص تک پرسشی است که از آزمودنی پرسیده می‌شود، آیا تاکنون به طور جدی به طلاق فکر کرده است؟ پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (نه) تا ۳ (بله)، نمره‌گذاری می‌شود. شاخص عدم توافق زناشویی، یک ماده‌ای است که از آزمودنی پرسیده می‌شود در طول دوره زندگی مشترک، چقدر با یکدیگر اختلاف داشته‌اند. پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۷ (هر روز)، نمره‌گذاری می‌شود و شاخص تعارض زناشویی، که شش ماده‌ای است و از آزمودنی خواسته می‌شود مشخص کنند که هر کدام از عبارات بیان شده، زمانی که به شدت با همسر خود مخالف هستند، چقدر اتفاق می‌افتد. پاسخ‌ها در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۴ (اغلب) نمره‌گذاری می‌شود. سازندگان پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۰ و روایی آن را ۰/۵۶ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۱$ گزارش کرده‌اند. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش باز آزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته

1- marital discord questioner

2- marital instability index

3- marital disagreement index

4- marital conflict index

در نمونه مردان ۰/۷۰ و در نمونه زنان ۰/۶۷ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۰۱$ به دست آمد. برای سنجش روایی سازه این مقیاس از پرسشنامه‌ی شش سؤالی کیفیت زناشویی (QMI) استفاده شده است که ضریب اعتبار سازه آن با مقیاس ناهماهنگی زناشویی برای نمونه‌ی زنان و مردان به ترتیب ۰/۶۰- و ۰/۷۱- می‌باشد که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنی‌دار است.

مقیاس ایدئولوژی جنسیتی^۱: این مقیاس توسط زو و لای (۲۰۰۴) ساخته شده و یک ابزار چهار سؤالی است که باورها و عقاید زن و شوهر را در مورد مسئولیت‌های زن و مرد با به کارگیری عباراتی مانند (مسئولیت شوهر نان‌آوری است در حالی که مسئولیت زن خانه‌داری است) می‌سنجد. آزمودنی درجه موافقت خود را با این عبارات در دامنه‌ای از ۱ (به شدت موافقم) تا ۵ (به شدت مخالفم) بیان می‌کند. سازندگان این پرسشنامه پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۷ و روایی آن را ۰/۶۱ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۰۱$ گزارش کرده‌اند. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته در نمونه مردان ۰/۸۲ و در نمونه زنان ۰/۸۵ در سطح معنی‌داری $p < ۰/۰۰۰۱$ به دست آمد. برای سنجش روایی سازه این پرسشنامه از مقیاس ۳۹ ماده‌ای ایدئولوژی نقش جنسیتی^۲ بروگان و کاتنر^۳ (۱۹۷۶) استفاده شده است که ضریب اعتبار آن با مقیاس ایدئولوژی برابری جنسیتی به ترتیب در نمونه‌ی زنان و مردان ۰/۵۸ و ۰/۶۶ می‌باشد که در سطح $p < ۰/۰۰۰۱$ معنی‌دار است.

سنجه ادراک انصاف^۴ (MEP): این مقیاس توسط پری (۲۰۰۴)، به نقل از فرامرزی (۱۳۸۸) تهیه شده است. این پرسشنامه عدالت، به عنوان شاخصی برای سنجش ادراک انصاف در نظر گرفته شده است و شامل چهار سؤال است که ادراک انصاف را در چهار حیطة انجام کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان می‌سنجد. سؤالات این مقیاس به صورت طیف لیکرت از ۱ (خیلی غیرمنصفانه برای من) تا ۵ (خیلی غیرمنصفانه برای همسر) نمره‌گذاری می‌شود. فرامرزی (۱۳۸۸) در پژوهش خود در نمونه‌ای از کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز، پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰

-
- 1- gender ideology scale
 - 2- measure of gender role ideology
 - 3- Brogan & Kutner
 - 4- measure of equity perceived

و به روش تنصیف ۰/۸۲ و روایی سازه آن را ۰/۶۶ در سطح معنی‌داری $p < 0/001$ گزارش کرده است. برای سنجش پایایی این مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب همبستگی بین دو بار اجرای آزمون با فاصله‌ی زمانی چهار هفته در نمونه‌ی مردان ۰/۷۶ و در نمونه‌ی زنان ۰/۸۱ و در سطح معنی‌داری $p < 0/001$ به دست آمد.

یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های آماری نمونه پژوهش را در بین متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های آماری شرکت‌کنندگان در پژوهش در بین متغیرهای پژوهش برای نمونه‌ی مردان و زنان

ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین		انحراف استاندارد		حداقل نمره		حداکثر نمره
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	
۱	ایدئولوژی برابری جنسیتی	۱۰/۶۶	۱۲/۷۴	۴/۲۷	۳/۸۶	۴	۵	۲۰
۲	ادراک انصاف	۱۷/۳۴	۱۶/۶۷	۳/۴۶	۳/۴۷	۴	۶	۲۰
۳	هماهنگی زناشویی	۲۸/۷۷	۲۸/۹۰	۵/۵۹	۵/۷۰	۹	۱۴	۳۹
۴	ناهماهنگی زناشویی	۱۶/۶۸	۱۶/۹۹	۴/۱۵	۴/۴۸	۱۰	۹	۳۱

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۲ گزارش شده است و جدول ۳ شاخص‌های برازندگی مدل اولیه و نهایی را در نمونه‌ی مردان و زنان نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد کلیه‌ی ضرایب همبستگی به دست آمده بین متغیرهای پژوهش در سطح $p < 0/01$ معنی‌دار هستند. همبستگی بین ایدئولوژی برابری جنسیتی و هماهنگی زناشویی برای زنان منفی است. این نتیجه می‌تواند به این علت باشد که واکنش مثبتی نسبت به دیدگاه زنان برابر طلب در جامعه وجود ندارد و از سوی زنان با ایده برابری جنسیتی، حاضر به دست کشیدن از دیدگاه خود نیستند و همچنین در زمان تعارض در زندگی مشترک هم به راحتی حاضر به مصالحه نیستند.

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش							
	۱		۲		۳		۴	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۱	-	-	**	**	**	**	**	**
			۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۵۰	-۰/۲۲	-۰/۴۳	-۰/۳۴
۲	-	-	-	-	**	**	**	**
					۰/۶۰	۰/۶۱	-۰/۶۳	-۰/۶۵
۳	-	-	-	-	-	-	**	**
							-۰/۷۶	-۰/۷۶
۴	-	-	-	-	-	-	-	-

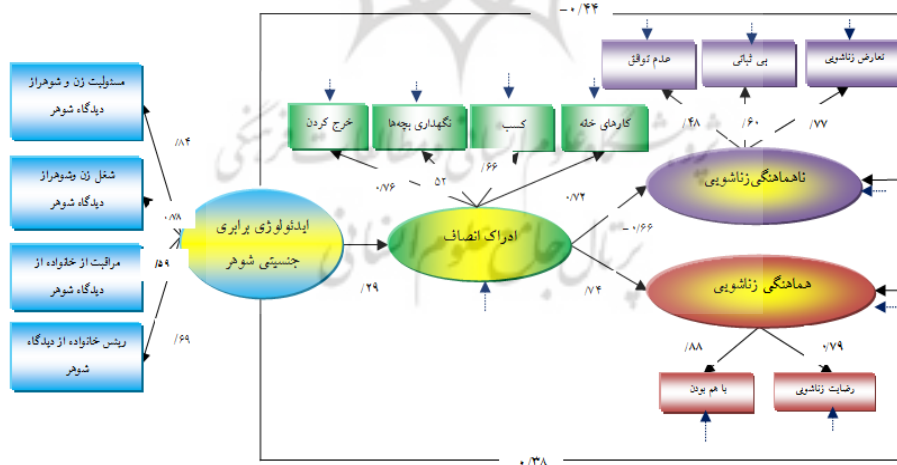
p<۰/۰۱**

جدول ۳. شاخص‌های برازندگی اولیه و نهایی در نمونه‌ی مردان و زنان

شاخص‌های برازندگی	χ^2		df		χ^2/df		CFI		GFI		IFI		RMSEA	
	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
مدل اولیه	۱۵۵/۳	۱۴۷/۱	۶۰	۶۰	۲/۵۶	۲/۴۵	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۸۵	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۸۸	۰/۱۰	۰/۰۹
مدل نهایی	۱۰۶/۳	۷۵/۹	۴۷	۵۷	۱/۸۶	۱/۶۱	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۰۷	۰/۰۶

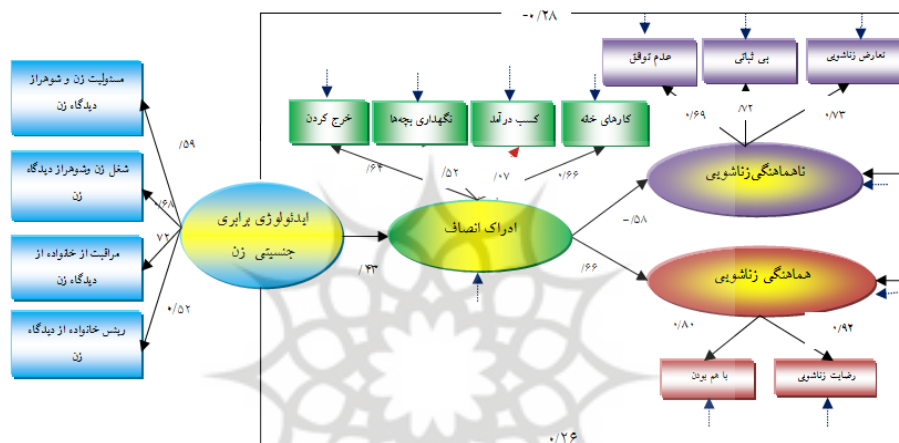
مندرجات جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص مجذور خی برای شوهران ($\chi^2=155/3$) و در نمونه زنان ($\chi^2=147/1$)، مجذور خی نسبی در نمونه شوهران ($\chi^2/df=2/56$)، در نمونه زنان ($\chi^2/df=2/45$) شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/85$)، در نمونه زنان ($GFI=0/85$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب در نمونه شوهران ($RMSEA=0/10$) و در نمونه زنان ($RMSEA=0/09$) حاکی از آن است که مدل از برازش متوسطی برخوردار است و نیاز به اصلاح دارد. بنابراین برای اصلاح مدل سه اصلاح به پیشنهاد AMOS روی مدل صورت گرفت. به این ترتیب که، مسیرخطاهای اضافه شده بین متغیرهایی قرار داده شدند که ضرایب همبستگی بین آنها بالا بود. این مسیرها شامل همبسته کردن مسیر بین (مراقبت از خانواده از دید شوهر به انصاف در نگهداری از فرزند)، (شاخص رضایت زناشویی به متغیر ناهماهنگی زناشویی) و (شاخص بی‌ثباتی زناشویی به عدم توافق) می‌باشد و برای اصلاح مدل در نمونه‌ی

زنان نیز سه اصلاح به پیشنهاد AMOS روی مدل صورت گرفت. به این ترتیب که، مسیر خط‌های اضافه شده بین متغیرهایی قرار داده شد که ضرایب همبستگی بین آنها بالا بود. این مسیرها شامل همبسته کردن مسیر بین (شغل زن و شوهر از دید زنان به متغیر ادراک انصاف)، (شاخص عدم توافق به خرج کردن پول) و (انصاف در انجام کارهای خانه به انصاف در نگهداری از فرزندان) می‌باشد. همچنین شاخص دوم ادراک انصاف یعنی انصاف در کسب درآمد به دلیل معنی‌دار نبودن در این مرحله برای بهبود برازش مدل حذف شد. بعد از اعمال تغییرات، هر دو مدل مجدداً مورد آزمون قرار گرفت. همان‌گونه که مشاهده می‌شود تمامی شاخص‌های برازندگی از جمله: شاخص مجذور خی برای شوهران ($\chi^2=106/3$) و در نمونه زنان ($\chi^2=75/9$)، مجذور خی نسبی در نمونه شوهران ($\chi^2/df=1/86$)، در نمونه زنان ($\chi^2/df=1/61$) شاخص نیکویی برازش ($GFI=0/90$)، در نمونه زنان ($GFI=0/92$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب در نمونه شوهران ($RMSEA=0/07$) و در نمونه زنان ($RMSEA=0/06$) بهبود یافته‌اند که حاکی از برازش مناسب مدل نهایی است. در شکل ۱ الگوی نهایی پژوهش در نمونه شوهران و در شکل ۲ الگوی نهایی پژوهش در نمونه زنان همراه با ضرایب مسیرها نشان داده شده است.



شکل ۱. برونداد نرم افزار AMOS: مدل نهایی پژوهش حاضر نمونه‌ی مردان همراه با ضرایب استاندارد مسیرها ◀◀◀ موارد خطا

همان‌گونه که شکل ۱ نشان می‌دهد تمامی مسیرهای مستقیم مانند مسیر ایدئولوژی برابری جنسیتی به ادراک انصاف ($\beta=0/29$)، مسیر ایدئولوژی برابری جنسیتی به هماهنگی زناشویی ($\beta=0/38$) و مسیر برابری جنسیتی به ناهماهنگی زناشویی ($\beta=-0/44$)، مسیر ادراک انصاف به هماهنگی زناشویی ($\beta=0/74$) و مسیر ادراک انصاف به ناهماهنگی زناشویی ($\beta=-0/66$) معنی‌دار هستند.



شکل ۲. برونداد نرم افزار AMOS: مدل نهایی پژوهش حاضر نمونه‌ی زنان همراه با ضرایب استاندارد مسیرها ← موارد خطی ← مسیر غیرمعنی‌دار حذف شده

همان‌گونه که شکل ۲ نشان می‌دهد تمامی مسیرهای مستقیم مانند مسیر ایدئولوژی برابری جنسیتی به ادراک انصاف ($\beta=0/43$)، مسیر ایدئولوژی برابری جنسیتی به هماهنگی زناشویی ($\beta=0/26$) و مسیر ایدئولوژی برابری جنسیتی به ناهماهنگی زناشویی ($\beta=-0/28$)، مسیر ادراک انصاف به هماهنگی زناشویی ($\beta=0/66$) و مسیر ادراک انصاف به ناهماهنگی زناشویی ($\beta=-0/58$) معنی‌دار هستند. همچنین به منظور آزمون روابط واسطه‌ای الگوی ساختاری از آزمون بوت استرپ نرم‌افزار AMOS استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می‌شود. نتایج مندرج در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که تمامی مسیرهای واسطه‌ای در سطح آماری $p < 0/05$ و فاصله اطمینان $0/95$ معنی‌دار است. با توجه به این که در تمامی مسیرها صفر بیرون از فاصله اطمینان قرار می‌گیرد تمامی روابط واسطه‌ای مفروض معنی‌دار می‌باشد.

جدول ۴. نتایج بوت استراپ برای مسیرهای واسطه‌ای

مسیرها	B	β	بوت استرپ		سطح معنی‌داری
			حد بالا	حد پایین	
ایدئولوژی برابری جنسیتی ← ادراک انصاف ← هماهنگی زناشویی مردان	۰/۶۵۵	۰/۲۲	۰/۲۶	۱/۲۰	۰/۰۱۴
ایدئولوژی برابری جنسیتی ← ادراک انصاف ← هماهنگی زناشویی زنان	-۳/۴۱	-۰/۶۰	-۶۰/۵۴	-۲/۱۹	۰/۰۰۴
ایدئولوژی برابری جنسیتی ← ادراک انصاف ← ناهماهنگی زناشویی مردان	-۰/۰۹۳	-۰/۲۵	-۰/۱۸	-۰/۰۳	۰/۰۱۳
ایدئولوژی برابری جنسیتی ← ادراک انصاف ← ناهماهنگی زناشویی زنان	۰/۵۱۴	۰/۶۲	۰/۳۰۴	۱/۰۱	۰/۰۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در ابتدا بیان شد هدف پژوهش حاضر، برآزش مدل در ایران و در نمونه زوجین و همچنین بررسی نقش ادراک انصاف به عنوان میانجی در رابطه بین ایدئولوژی برابری جنسیتی و هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی بود. به عبارتی بررسی این مسأله که آیا ایدئولوژی برابری جنسیتی به طور مستقیم بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد و یا اینکه، این تأثیر از طریق متغیر ادراک انصاف است؟ تمامی مسیرهای مفروض در الگوی پیشنهادی پژوهش مورد آزمون واقع شدند و همه‌ی مسیرها تأیید شدند. به عبارتی نتایج حاصل از تحلیل مدل نشان داد که ایدئولوژی برابری جنسیتی هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج این پژوهش با یافته‌های آماتو، جانسون، بوت و راجر (۲۰۰۳)، ویلیگن و درنتی (۲۰۰۱) کافمن و تانی گاجی (۲۰۰۶)، لپتو، گاس و هایدن (۱۹۸۹) هماهنگ است. می‌توان گفت یک دلیل برای این که شوهران غیرسنتی از هماهنگی زناشویی بیشتری برخوردارند ممکن است به این علت باشد که آنها احتمالاً بیشتر همسرانشان را در فرایند تصمیم‌گیری دخالت می‌دهند. علاوه بر آن کمک بیشتری در امور داخلی دارند (هوچسپیلد، ۱۹۸۹). بنابراین زمانی که تعارض زناشویی افزایش می‌یابد شوهران غیرسنتی ممکن است آگاهانه سازش بیشتری برای دستیابی به هماهنگی زناشویی انجام دهند (لاوی و کتز، ۲۰۰۲). از سوی دیگر جهت‌گیری ایدئولوژی

برابری جنسیتی شوهران بر ادراک انصاف آنان تأثیر می‌گذارد (هوچسچیلد، ۱۹۹۸، ویلکی و همکاران، ۱۹۹۸). شوهران با این ایده بر برابری به عنوان مبنایی برای ادراک انصاف تأکید می‌کنند. به طور کل درباره ایدئولوژی برابری جنسیتی می‌توان گفت که این ایده ممکن است واقعاً به بهتر شدن ازدواج بینجامد، زیرا سنگینی مسئولیت‌های مختلف به طور مساوی توزیع شده است. به عبارتی یک زن که بیرون از خانه کار می‌کند فشار کاری شوهر را درک می‌کند و نمی‌خواهد که شوهرش مسئولیت نان‌آوری را به تنهایی به دوش بکشد و نیز شوهرانی که در خانه کار می‌کنند فشار کار خانگی زن را کم می‌کنند و زنان این بار سنگین را به تنهایی به دوش نمی‌کشند. بنابراین طرفداری تساوی نقش‌ها برای ازدواج باید مفید باشد. همچنین ایدئولوژی برابری جنسیتی به صورت غیرمستقیم و از طریق ادراک انصاف هم بر هماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد، در واقع تأثیر غیرمستقیم آن قوی‌تر است. همان‌گونه که گفته شد ادراک انصاف به صورت ادراک فرد از تساوی نسبت درون دادها به برون‌داد برای فرد و شخصی که با وی در ارتباط است تعریف شده است. (آدامز، ۱۹۶۵، به نقل از فرامرزی، ۱۳۸۸). ادراک انصاف عامل بسیار مهمی در روابط سالم است. انسان‌ها همواره در روابط اجتماعی، اقتصادی و زناشویی خود خواستار روابط منصفانه هستند (لامرت، ۲۰۰۳). آنها آگاهانه یا ناآگاهانه دائماً در حال احتساب سودی هستند که از مشارکت در یک رابطه نصیبشان می‌شود. امروزه ادراک انصاف عامل بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در چگونگی روابط زناشویی و هماهنگی زناشویی است. امروزه در زندگی زناشویی مسئولیت‌ها تقسیم می‌شوند یا بر یک مبنای فردی تعیین می‌گردد، نتیجه تغییر کاملاً روشن است. هنگامی که اهداف برآورده نمی‌شوند، هر یک از زن و شوهر از خودشان می‌پرسند: چرا باید این رابطه را حفظ کنم در حالی که بهای زیادی برای آن می‌پردازم (فرامرزی، ۱۳۸۸). به طور کلی می‌توان گفت که اگر چه ایدئولوژی برابری جنسیتی به طور مستقیم بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد اما این تأثیر اندک است، بلکه احساس انصاف در رابطه زناشویی است که بر هماهنگی و ناهماهنگی زناشویی تأثیر می‌گذارد. در واقع تا زمانی که ایدئولوژی برابری جنسیتی از مرحله ایده به عمل نرسد نمی‌تواند تأثیر مستقیم زیادی بر هماهنگی رابطه زناشویی بگذارد. با توجه به یافته‌ی پژوهش حاضر به درمانگران حیطه‌ی خانواده درمانی پیشنهاد می‌گردد که در فرایند بهبودبخشی به روابط زوج‌ها، به اثر مهمی که ایدئولوژی برابری جنسیتی

و ادراک انصاف می‌تواند بر ثبات و هماهنگی زناشویی داشته باشد توجه کنند. عمده‌ترین محدودیت این پژوهش جامعه‌ی آماری آن می‌باشد که گروه یا طبقه‌ی خاصی از والدین دانش‌آموزان شهر اهواز را در بر می‌گیرد، بنابراین پیشنهاد می‌گردد جهت افزایش گستره‌ی تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در نمونه‌ی وسیع‌تر و جوامع دیگر نیز تکرار شود. سرانجام این که نتایج این مدل نشان داد که ایدئولوژی برابری جنسیتی و ادراک انصاف در رابطه‌ی زوجین می‌تواند هماهنگی زناشویی را بهبود بخشد. با توجه به افزایش مشکلات خانوادگی و آمار بالای طلاق برگزاری دوره‌های مختلف آموزش به خانواده‌ها و همچنین بررسی اثربخشی این دو متغیر بر هماهنگی زناشویی ضروری است.

منابع

فارسی

فرامرزی، سحر (۱۳۸۸). بررسی نقش ادراک انصاف در کیفیت زناشویی در کارکنان متأهل شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز.

لاتین

- Ades, A. J. (2008). An examination of the narratives of men in power sharing marital relationships: A feminist perspective. *The Thesis of PHD Philosophy*. University of Maryland.
- Affleck, M., Morgan, C. S., & Hayes, M. P. (1989). The influence of gender role attitude on life expectations of college student. *Youth & Society, 20*, 307- 319.
- Amato, P. R., Johnson, D. R., Booth, A. & Rogers, S. J. (2003). Continuity and Change in Marital Quality Between 1980 and 2000. *Journal of Marriage and Family, 65*, 1-22.
- Aumer-Ryan, K., Hatfield, E., & Frey, R. (2007). Examining Equity theory across cultures. *Interpersona: An International Journal on Personal Relationships*. www.interpersona.org.
- Bahr, S. J., & Day, R. D. (1978). Sex role attitudes, female employment, and marital satisfaction. *Journal of Comparative Family Studies, 9*, 53-67.

- Brown, S. L., & Kawamura. (2010). Mattering and wives' perceived fairness of the division of household labor. *Social Science Research*, 6, 976-986.
- Claffey, S. T., & Mickelson, K. (2009). Division of household labor and distress: The role of perceived fairness for employed mothers. *Sex Roles*, 60, 819-831.
- Davis, S. N. (2009). Gender ideology: components, predictors, and consequences. *Department of Sociology and Anthropology*, 35, 87-105.
- Demaris, A. (2007). The role of relationship inequity in marital disruption. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2, 177-195.
- Feinstein, S. Feinstein, R., & Sabrow, S. (2010). Gender Inequality in the Division of Household Labour in Tanzania. *African Sociological Review*, 2, 98-109.
- Finley, B., Starnes, C. E., & Alvarez, F. B. (1985). Recent changes in sex-role ideology among divorced men and women: Some possible causes and implications. *Sex Roles*, 12, 637-653.
- Frisco, M. L., & Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of Family Issues*, 24, 51-73.
- Greenstein, T. N. (1995). Gender ideology, marital disruption, and the employment of married women. *Journal of Marriage and the Family*, 57, 31-42.
- Grote, N. K., & Clark, M. S. (2001). Perceiving unfairness in the family: Cause or consequence of marital distress? *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 281-293.
- Hochschild, A. (1989). *The second shift: Working parents and the revolution at home*. New York: Viking Press.
- Kaufman, G. (2000). Do gender role attitudes matter? family formation and dissolution among traditional and egalitarian men and women. *Journal of family issues*, 1, 128-144.
- Kaufman, G., Taniguchi, H. (2006). Gender and marital happiness in later life. *Journal of Family Issues*, 6, 735 - 757.
- Lammert, E. (2003). Do those who labor together stay together? the influence of specialization, perceptions of fairness, and gender ideology on marital stability. Center for Research on Families. *Working Paper*, 1, 1- 59.

- Lavee, Y., & Katz, L. (2002). Division of labor, perceived fairness, and marital quality: The effect of gender ideology. *Journal of Marriage and Family, 64*, 27-39.
- Liat, K. (2009). Explaining the sense of family coherence among husband and wife: the Israeli case. *Journal of Social Psychology, 149* (6), 627-647.
- Lueptow, L. B., Guss, M. B., & Hyden, C. (1989). Sex role ideology, marital status, and happiness. *Journal of Family Issues, 10*, 383-400.
- Mcquillan, J. (1998). Gender and marital power: explaining the division of labor, perceived equity, and distress among two earner couple. *The Thesis of PHD*. University of Connecticut.
- Nakhaie, M. R. (2009). Professors, ideology and housework. *J Fam Econ, 30*, 399-411.
- Perry- Jenkins, M., & Crouter, A. C. (1990). Men's provider – role attitudes: Implication for household work and marital satisfaction. *Journal of Family Issues, 11*, 136- 156.
- Perry- Jenkins, M., & Crouter, A. C. (1990). Men's provider – role attitudes: implication for household work and marital satisfaction. *Journal of Family Issues, 11*, 136- 156.
- Perry, B. J. (2004). The relationship between equity and marital quality among hispanic, africans and american and caucasian. *The Thesis of PHD in Philosophy*. University of Ohio State.
- Sprecher, S. (1986). The Relation between Inequity and Emotions in Close Relationships. *Social Psychology Quarterly, 4*, 309-321.
- Sullivan, C. M. (2008). The role of communication, Life role commitments, and sexist ideologies in dual-earner marriages. *The Thesis of PHD in Philosophy*. University of Maryland.
- Tompson, L. (1993). Conceptualizing gender in marriage: the case of marital care. *Journal of Marriage and Family, 3*, 557-569.
- Walster E., Berscheid, E., & Walster, G. W. (1975). Equity and social justice. *Journal of Social Issues, 31*, 21-43.
- Wilkie, J. R., Ferree, M. M., & Ratcliff, K. S. (1998). Gender and fairness: Marital satisfaction in two-earner couples. *Journal of Marriage and the Family, 60*, 577-594.
- Willigen, M. V., & Drentea, P. (2001). Benefits of Equitable Relationships: The Impact of Sense of Fairness, Household Division of Labor, and Decision Making Power on Perceived Social Support. *Sex Roles, 10*, 571- 597.
- Xu, X., & Lai, S. C. (2004). Gender ideologies, marital roles, and marital quality in Taiwan. *Journal of Family Issues, 3*, 318-355.